

اهمیت تربیت سیاسی دانش آموزان و شیوه های آن

محمد امین صفایی^۱

چکیده

آموزش و پرورش، با کارکردهای مختلف خویش، تعریف شده است. در میان این کارکردها، کم و بیش به مسأله «پرورش سیاسی» اشاره شده است. فراگردی که از راه آن افراد جامعه، نگرشها و احساسات مربوط به نظام سیاسی و نقش خود را در آن، کسب می کنند. پژوهش حاضر با هدف بررسی اهمیت تربیت سیاسی دانش آموزان و شیوه های آن بود که به روش مروری کتابخانه ای انجام شد. نتایج پژوهش نشان می دهد که ساحت سیاسی اجتماعی به عنوان یکی از ساحت های اساسی نظام آموزش و پرورش در پی ایجاد دانش، مهارت، نگرش و ارزش هایی است که دانش آموزان را قادر می سازد به عنوان شهروند فعال و آگاه در جامعه مشارکت کنند. تربیت مدنی یک مفهوم متکثر و چندچهره است که ابعاد مختلفی همچون مسوولیت پذیری، وحدت و تفاهم ملی، بردباری، قانون گرایی، درک فهم اجتماعی، مشارکت سیاسی و اجتماعی، صلح جویی، وفاق و همدلی، درک و فهم سیاسی، مهارت زندگی، برابری و تنوع را شامل می شود.

کلمات کلیدی: تربیت سیاسی، اسلام، دانش آموزان

^۱ کارشناسی راهنمایی و مشاوره دانشگاه فرهنگیان پردیس آیت الله طالقانی قم

مقدمه

امروزه آموزش و پرورش در بین تمامی جوامع از اهمیت خاصی برخوردار شده است؛ زیرا به عقیده بسیاری از دانشمندان تعلیم و تربیت، وظیفه آموزش و پرورش، تربیت شهروندانی است که بتوانند برای رشد و شکوفایی جامعه‌ی مردم سالار و تجدید بنای آن تلاش کنند و در صدد تربیت نسلی باشند که بتواند در دنیای پیچیده‌ی کنونی، هم بر سرمایه‌ی دانش خود بیفزاید و هم با افزایش قابلیت همبستگی و نقش‌پذیری خود در ایجاد فضای گروهی که مسئولیت چند جانبه و جمعی به بار می‌آورد، کوشش نماید (بهروش، ۱۳۹۱). حال می‌توان یکی از وظایف خطیر و اساسی آموزش و پرورش را تربیت فراگیران متناسب با این سازمان معرفی کرد؛ اگر تربیت را فراهم کردن زمینه‌های بالندگی، برکشیدن و متعادل کردن آدمی بدانیم و هدف از آن را فعلیت بخشیدن به استعدادهای بالقوه انسانها در جهت کمال و قرب الهی در نظر داشته باشیم، نظام آموزش و پرورش در تحقق این امر نقش ارزنده و بسزایی دارد امیر حیدری، (۱۳۸۶) و این سازمان باید با توجه به ساحت شش‌گانه تربیت، دانش‌آموزان را به طور متوازن در حوزه‌های تربیت علمی و فناورانه، تربیت دینی و اخلاقی، تربیت سیاسی و اجتماعی، تربیت شناختی و هنری، تربیت دینی و جسمانی و در نهایت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای رشد و پرورش دهد؛ به طوری که بتوانند در آینده عنصر مفید و مؤثری برای اعتلای اسلامی به حساب آیند (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰).

حال با توجه به مطالب بالا می‌توان یکی از مهم‌ترین ساحت‌های شش‌گانه تربیت حوزه‌ی تربیت سیاسی و اجتماعی دانست؛ زیرا توجه به نیازهای سیاسی و اجتماعی، کودک را برای زندگی با دیگران و در اجتماع آماده می‌کند و بنا بر اینکه انسان یک موجود مدنی بالطبع است، توجه به نیازهای اجتماعی و سیاسی و تغییر و تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از اصلی‌ترین گام‌های نظام آموزش و پرورش در جهت رسیدن به اهداف تربیتی می‌باشد. بنابراین مدارس باید مطابق نیازهای فراگیران برنامه‌ها پی در جهت بهره‌مندی از رشد و تکامل اجتماعی طراحی کنند.

بی‌تردید اثربخشی نظام آموزش و پرورش امری مهم و حیاتی در تربیت سیاسی و اجتماعی به حساب می‌آید که، در حقیقت دربارهی اثربخشی تا کنون تعاریف گوناگونی ارائه شده است. در فرهنگ علوم تربیتی، اثربخشی به معنی میزان تحقق اهداف و انجام موفقیت‌آمیز مأموریت آمده است. به تعبیر دیگر اثربخشی به معنای عملکرد و کارایی مطلوب در تخصیص منابع می‌باشد (محمودی، ۱۳۸۶) و همچنین طبق نظر بختیاری (۱۳۸۶) به بیان دیگر اثربخشی نشان می‌دهد که تا چه میزان از تلاش‌های انجام شده نتایج مورد نظر حاصل شده است (تا چه حد به اهداف رسیده ایم، در حالی که به نحوه استفاده و بهره‌برداری از منابع برای نیل به نتایج اهداف، به کارایی مربوط می‌شود. در واقع اثربخشی مرتبط به عملکرد (نیل به اهداف و فراهم آوردن رضایت انسان از تلاش‌های انجام شده است و کارایی مرتبط با بهره‌برداری صحیح از منابع است.

به طور کلی نظام آموزش و پرورش قبل از هر چیز مستلزم انجام مأموریت در راستای تحقق اهداف و رسالت هایی است که این نظام در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش آموزان بر عهده دارد. زیرا پایه های اصلی اثربخشی، ریشه در تربیت سیاسی و اجتماعی شهروندان جامعه دارد که می بایست در فرایند تعلیم و تربیت به مراتب قابل قبولی در زمینه های فوق دست یافته باشند و هنگامی می توان موفقیت و پیشرفت نظام آموزش و پرورش را اثبات کرد که این سازمان توانسته باشد به وسیله ی اقدامات و راهکارهای اساسی خود، درجه و میزان نیل به اهداف خود را تعیین کند؛ به عبارت دیگر اثربخشی سازمان است که نشان می دهد تا چه میزان از تلاش های انجام شده نتایج مورد نظر حاصل شده است.

لذا بر عهده گرفتن امر تربیت سیاسی و اجتماعی نه تنها از جمله وظایف مسئولین تربیتی، بلکه وظیفه حاکمان آن جامعه نیز می باشد (بهشتی و افخمی اردکانی، ۱۳۸۶) و از نظر سول (۲۰۰۳) تربیت سیاسی فرآیندی است که ناظر به تغییر نگرش سیاسی دانش آموزان و افزایش مهارت های مشارکتی و قابلیت های اجتماعی و ارزش گذاری آنها نسبت به حقوق سایر شهروندان می باشد و تربیت اجتماعی را می توان عمل هدفمندی تلقی نمود که کارکرد آن،

زمینه سازی برای هدایت افراد جامعه توسط نظام اجتماعی است؛ کاری که از طریق برقراری رابطه تعاملی و چند سویه مربی و متربی صورت می پذیرد (حیدری و ساجدی، ۱۳۹۲). بعد از تعریف ماهیت تربیت سیاسی و اجتماعی به صورت منفک لازم است به تعریف تربیت سیاسی و اجتماعی اشاره کرد؛ رجبیان (۱۳۸۹) معتقد است، تربیت سیاسی و اجتماعی، ایجاد زمینه های رفع موانع و استفاده از عوامل و شیوه های مؤثر به منظور پرورش و شکوفایی استعدادهای سیاسی و اجتماعی متربی و ایجاد تعادل و هماهنگی میان آنها تا متربی در روندی تدریجی و مستمر، با ارادهای آزاد و فعال، به شکل درونی، به هدف غایی تربیت یعنی قرب الهی رهنمون شود. با توجه به آنچه گفته شد، لازم است نظام آموزش و پرورش با شناخت ماهیت تربیت سیاسی و اجتماعی به عنوان یکی از مهم ترین نیازهای اساسی فراگیران، موثرترین راهبردهای اصولی و حقیقی در جهت تحقق تربیت همه جانبه فراگیران را ایجاد نماید؛ تا بدین وسیله نظام آموزش و پرورش به اهداف از پیش تعیین شده دست یابد. در همین راستا، معمولاً نظام آموزش و پرورش مسئول آماده سازی افراد برای زندگی در اجتماع میباشند و با روشن شدن اهداف و برنامه می توان در جهت اثربخشی اصولی و اساسی این سازمان گام برداشت.

درباره میزان اثربخشی نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و اجتماعی، دانش آموزانی که دوره دیپلم را گذرانده اند و در حال تحصیل دوره کارشناسی در دانشگاه فرهنگیان هستند، تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است؛ اما تحقیقاتی در رابطه با عوامل موثر بر تربیت سیاسی و اجتماعی انجام شده است. در تأیید مطلب فوق می توان به نتایج ارزیابی هایی که محققان نیز در این زمینه انجام داده اند، اشاره کرد.

اطلاعات به دست آمده از میزان اثربخشی برنامه درسی تربیت سیاسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان نشان داد که این برنامه از نظر دانش‌آموزان کاملاً غیر اثربخش است. (امینی و همکاران، ۱۳۸۸) و اطیایی (۱۳۸۵) در تحقیق خود عنوان کرد، مدارس و معلمان از لحاظ تغییر افراد نقش مهمی برعهده دارند و معلمان با انتقال نگرش‌های جدید زمینه‌های اخلاقی، عاطفی، سیاسی و موجب تغییر و پرورش اجتماعی دانش‌آموزان می‌گردد و زنگنه (۱۳۸۲) طی تحقیق خود عوامل فرهنگی موثر بر جامعه پذیری دانش‌آموزان مقاطع راهنمایی و متوسطه استان بوشهر را متغیرهای تحصیلی والدین، وضعیت تحصیلی پاسخگویان، والدین، مدارس و معلمان معرفی کرد.

یافته‌های پژوهشی دیگری چون هزار جریبی و همکاران (۱۳۹۳) به منظور بررسی عوامل موثر در روند جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان در ج ۱.۱ نشان داد که نهادهای دولتی، غیر دولتی و تشکل‌های دانشگاهی در شکل‌گیری تربیت سیاسی و اجتماعی دانشجویان موثر است و همچنین سبزی پور (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «نقش معلمان در فرایند جامعه‌پذیری»، عواملی چون خانواده، مدرسه، معلمان، همسالان و رسانه‌های جمعی را در تربیت اجتماعی موثر دانست و معتقد است معلمان، مهم‌ترین کارگزاران تعلیم و تربیت، به طور مستقیم یا غیر مستقیم در تعلیم اجتماعی موثرند. نتایج حاصل از تحقیق لنگتون (۱۹۶۹) نشان داد که پیرامون نقش مدرسه و آثار معلمان و گروه‌های همسالان، باورهای سیاسی معلم، اثر بالقوه مهمی در تقویت اهداف تعیین شده برنامه درسی آموزشی دارد و همچنین هریس (۱۹۹۵) معتقد است که نقش مدرسه را باید به عنوان کنترل اجتماعی در نظر گرفت و همچنین سعی می‌کند که تا حد زیادی به القا دانش، نگرش و مهارت به دانش‌آموزان بپردازد و آنان را برای شهروندی آینده آماده سازد (قلتاش، ۱۳۹۱). در تایید مطالب فوق بولیس (۲۰۰۳) عنوان کرده است که، از مهم‌ترین موسسات رسمی که به فرایند تربیت سیاسی می‌پردازند، مدارس عام منسوب به حکومت، دانشگاهها و مراکز آموزشی است که به ارائه شیوه‌های مطالعاتی معینی از طبیعت جامعه و نظام سیاسی و مکتب سیاسی عام آن می‌پردازند.

تربیت مدنی (تربیت سیاسی)

از تربیت سیاسی در بین اندیشمندان این حوزه تحت عنوان «تربیت مدنی» یاد می‌شود و ما نیز در این مقاله از این امر پیروی می‌نمایم و از واژه تربیت مدنی استفاده می‌کنیم. تربیت مدنی، با تعبیرهای مختلفی همچون: تربیت شهروند، تربیت دموکراتیک و تربیت مبتنی بر حقوق بشر بیان می‌شود و مفهوم آن نیز در معرض تحول قرار دارد (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۸۳). در عهد یونان باستان این واژه مفهومی تحت اللفظی داشت و به معنای پروراندن افرادی برای زیستن در شهر یا دولت شهر به کار می‌رفت. در اروپا، سده‌های میانه نیز این مفهوم دامنه محدودی داشت؛ زیرا شهروند به کسی اطلاق می‌شد که مقیم جمهوری - شهر یا حاکم نشینان کوچک بود. در قرون اخیر با ظهور مفاهیم ملت و ملیت‌گرایی این مفهوم به عضو یک کشور بودن تغییر یافت. تربیت مدنی در این بستر سیاسی و اجتماعی، مفهوم وحدت

گرایانه ای در سطح ملت های مختلف یافت؛ اما پس از ظهور دو جنگ جهانی، این مفهوم نیز دچار تردید شد. امروزه تربیت مدنی مستلزم آن است که دانش ها، گرایش ها و قابلیت هایی در افراد فراهم شود تا از سویی استواری و استحکام دولت از طریق قانون در جامعه باشد و از سوی دیگر این امکان را در افراد جامعه به وجود آورد که اقتدار طلبی ناموجه از سوی دولت را باز شناسی کنند و بتوانند آن را مورد نقد قرار دهند و در صورت لزوم در برابر آن عملاً مقاومت نمایند (همان). بنابراین در تعریف از تربیت سیاسی با توجه به تعاریفی که محمد احسانی و محمد حسنی از تربیت سیاسی ارائه کرده اند و ما آن را زیر مجموعه ای از تربیت مدنی قرار دادیم، می گوییم تربیت سیاسی؛ یعنی تلاش در راه تربیت شهروندانی مسئول و وظیفه شناس، و رشد دانش ها، نگرش ها و مهارت های او برای حضور فعال همراه با اندیشه نقادانه در عرصه سیاسی اجتماعی ملی و جهانی.

اهداف تربیت سیاسی

در قرآن کریم برای تربیت، واژه هایی وجود دارند که ناظر به اهداف است؛ یعنی نشان گر وضعیت هایی است که باید در مورد انسان محقق شوند؛ مانند: رشد، طهارت، حیات طیبه هدایت، عبادت، تقوا، قرب و... که در بین آنها می توان رابطه ای عرضی و طولی بر قرار ساخت. رابطه عرضی به این معناست که اهدافی که نسبت به هم ارتباط عرضی دارند، می توانند در کنار یکدیگر قرار بگیرند و به عبارت دیگر از نوعی استقلال بر خوردار باشند. این اهداف ناظر به شئون انسان هستند؛ اما اهدافی که رابطه طولی دارند نمی توانند در کنار یکدیگر قرار بگیرند و مستقل از یکدیگر هم نیستند؛ بلکه در طول اهداف دیگر قرار گرفته، همواره با همه آنها همراه هستند و تحت عنوان اهداف واسطی شناخته می شوند (باقری، ۱۳۸۵: ۲۳). هدف ما در این تحقیق در واقع رساندن انسان به جایی است که بتواند تمام شئون زندگی خود را برای رسیدن به خدای یگانه تنظیم نماید؛ بنابراین ما حیات طیبه را به عنوان هدف خود قرار می دهیم. طهارت، وصف وجودی برای تمام اشیاء است و در مقابل نجاست قرار می گیرد و بیشتر در امور محسوس به کار می رود؛ اما در اسلام این امر از حد محسوسات فراتر رفته و معنای محسوس آن در رابطه با امور معقول با اعتبار شده است؛ به این معنی که در اسلام، همه معارف و اصول اخلاقی و احکام به مسئله طهارت و نجاست ناظرند. در اسلام اصل توحید به معنای طهارت کبرا معرفی شده و اگر کسی به خدا شرک ورزد طهارت و جودی خویش را از دست داده است. طهارت به این معنای وسیع هدفی غایی در اسلام محسوب می شود. حیات طیبه به معنای زندگی پاک است و جمیع شئون انسان را در برمی گیرد (همان).

مبانی اصول و روش های تربیت سیاسی

قبل از اینکه بخواهیم مبانی و اصول و روش های تربیت سیاسی را طرح کنیم بهتر است پیش از آن بدانیم که این مبانی و اصول و روش در دین اسلام از چه منابعی برداشت می شوند؛ در واقع باید بدانیم

اندیشه سیاسی در متون اسلامی چگونه مطرح شده‌اند و کدام متون این اندیشه را در بر دارند. اندیشه سیاسی اسلام همان‌طور که گفتیم تابعی از مجموعه به هم پیوسته از تعالیم جامع اسلام است و منبع شناسی در اندیشه سیاسی تابع این اصل است؛ بدین معنی که کلیه مسائل اسلام باید از قرآن و سنت و در صورت فقدان آن دو به استناد اجماع (نظریه مستدل) استخراج شود. در اندیشه سیاسی و در زمینه مسائل سیاسی باید از این روش شناسی بهره‌گرفت (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ۸۶)؛ بنابراین می‌توان گفت که ما اندیشه سیاسی و به تبع آن، مبانی و اصول و روش‌های تربیت سیاسی را می‌توانیم از قرآن کریم، احادیث معتبر، کتاب شریف نهج البلاغه و سایر دعا‌های هستند که از ائمه اطهار به دست ما رسیده و سیره نبوی و امامان شریف، و آرای فقیهان در کتب معتبر و نظریات محققانی که به استناد ادله معتبر اسلامی ارائه شده است، استخراج نماییم؛ مانند آرای فقیهانی چون شیخ مفید، شیخ طوسی، محقق حلی، کاشف الغطاء، بحر العلوم، آیت الله بروجردی و حضرت امام خمینی قدس الله ارواحهم الزکیه - بخصوص در مسئله ولایت فقیه. در اینجا ما به دنبال پیدا کردن مبانی و اصول و روش‌های تربیت سیاسی از منبع لایزال قرآن کریم و وحی هستیم؛ بنابراین از سایر منابع در صورت نیاز و به عنوان ادله و مهر تأیید یا تأکید استفاده خواهیم کرد. در این مقاله «مبانی» گزاره‌ها، توصیفی هستند که اشاره به ویژگی‌های اساسی انسان دارند و اصول نیز گزاره‌های تجویزی و بایندی هستند که از مبانی گرفته شده‌اند، و روش‌ها نیز به عنوان گزاره‌های تجویزی محدود و مصداقی در نظر گرفته شده‌اند (باقری به نقل از حسنی، درآمدی بر مبانی اصول و روش‌های تربیت سیاسی از دیدگاه امام). قبل از اینکه وارد بحث مبانی و اصول و روش تربیت سیاسی شویم، بهتر است خاطر نشان سازیم که تفکر سیاسی در قرآن کریم را به دو شیوه می‌توان مورد بررسی قرار داد؛ نخست از طریق بررسی واژه‌های سیاسی قرآن که خود می‌تواند راهنما و کلید فهم اندیشه سیاسی در قرآن کریم باشد و دوم از طریق مفاهیم آیات مربوط به مسائل مورد نظر و بررسی موارد مشابه در باب سیاست و حکومت به عبارت دیگر بررسی آیاتی که محتوای سیاسی دارند (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ۹۷).

اصل آزادی توأم با مسئولیت

در این خصوص آیات زیادی در قرآن وارد شده که ترجمه برخی از آنها به قرار زیر است: «انا هدینا الشبیل اما شاگر و اما فوراها (الانسان، ۳) «ما انسان را هدایت کردیم حال او با سپاسگزار این نعمت است و یا کافر به آنه؟

ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» (الرعد، ۱۱) «خداوند وضعیت هیچ قوم و گروهی از انسان‌ها را دگرگون نمی‌کند؛ مگر این که خود بخواهند.

با توجه به مبنای خلافت الهی انسان که در آن مشخص شد انسان خلیفه خدا و دارای مسئولیت و آزادی و اراده می‌باشد. اصل آزادی توأم با مسئولیت برای این مبنا مستفاد می‌شود که در عین در بر گرفتن

کرامت انسانی به عنوان خلیفه خدا و همچنین آزادی او قید مسئولیت نیز به اعمال او زده شود تا اختیار و آزادی از برای انسان معنایی تمام بیاید.

خداوند انسان را در برابر هدایت حکیمانه انبیا آزاد گذاشته است؛ به این معنی که او در عین موظف و مسئول بودن در برابر آینده اش، در انتخاب آن آزاد است؛ زیرا انسان موجودی با ادراک و قدرت تشخیص است؛ از این رو مسئولیت خواهی از او باید بر اساس اختیار باشد تا اولاً معنی شکر مشخص شود و ثانیاً کفر معنی دار باشد. روش هایی که از این اصل می توان استخراج کرد عبارتند از: روش مسئولیت فردی، روش مسئولیت همگانی و آشنایی با حقوق فردی که در زیر به آنها اشاره می شود.

روش مسئولیت فردی

هر کس خواست ایمان بیاورد و هر کس بخواهد کفر بورزده (الکھف، ۲۹) همان طور که اشاره شد انسان در مسیر به سوی اهداف زندگی خود دارای اراده و اختیار می باشد و در عین حال نیز در برابر اعمال خود مسئول هم می باشد و می دانیم که انسان دارای هویت فردی و جمعی است و در تربیت باید به هر دو بعد به طور کامل توجه شود.

زیر بنای ساختن اجتماعی که از شهروندانی مطابق با آنچه در تعریف از تربیت سیاسی آمد بهره مند باشد، چیزی جز افرادی با دانش و منفکر نیست؛ بنابراین می توانیم از اصل آزادی توأم با مسئولیت روش مسئولیت فردی را پیشنهاد دهیم تا بتوانیم در عرصه پیچیده تربیت بعد بسیار مهم تربیت فردی را پوشش داده باشیم. البته مشخص است که هویت فردی با هویت اجتماعی ارتباطی تنگاتنگ دارند و نمی توان یکی را بدون توجه دیگری تربیت کرد؛ پس در تربیت فردی نیز بعد اجتماعی فرد در اجتماع نیز مد نظر است.

روش مسئولیت همگانی

چنانچه در این خصوص در قرآن آمده است المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولیاء بعض یا مرون بالمعروف و پنهون عن المنکر» (التوبه، ۷۱). مردان و زنان مؤمن از یکدیگرند، دیگران را به عمل پسندیده و سودمند و می دارند و از اعمال ناپسند باز می دارند. نقش هر فردی در تعیین سرنوشت جامعه اش و بازتابی که اعمال دیگران در سرنوشت او دارد و تعهدی که باید در پذیرش مسئولیت های اجتماعی داشته باشد، ایجاب می کند که وی ناظر و مراقب همه اموری باشد که در اطراف او و در جامعه اش اتفاق می افتد.

روش عدالت در امور

اعدلوا هو أقرب للتقوی» (المائد، ۸ عدالت را پیشه خود سازید؛ زیرا که عدالت به تقوا و پاکی انسان نزدیک تر است». «من مأمورم که عدالت را در میان شما برپا کنم.

با توجه به مبنای و اصلی که بیان شد مشخص شد که انسان ها در تمام امور از جمله خلقت با هم برابرند و این بدین معنی است که برابری با خود عدالت را همراه خواهد داشت و چه بیانی رساتر از اینکه قرآن

کریم استقرار عدالت و گسترش آن را یکی از اهداف مهم بعثت پیامبران بیان نموده و آن را از صفات الهی و بارزترین خصیصه آفرینش و نیکوترین خصلت انسانی معرفی نمود. اینکه چرا عدالت در امور را که یکی از ارکان مهم اسلام است، به عنوان روش مطرح کردیم به این دلیل است که عدالت امری است که بشر در طول تاریخ تشنه آن بوده است و این همه تشنگی به این دلیل است که آن را به طور محسوس حس نکرده است و اسلام به عنوان دینی که با زندگی انسان‌ها پیوندی ناگسستنی دارد می‌خواهد عدالت در همه شئون برای همه رعایت شود؛ بنابراین با روش عدالت در امور در تربیت می‌توانیم گام بسیار مهمی برای اجرای عدالت برداشت.

روش ظلم زدایی

«لا تظلمون ولا تظلمون» (البقره، ۲۷۹) «نباید ظلم کنید و نباید به ظلم تن در دهید».

قرآن در تأکید بر ضرورت ظلم زدایی از جامعه بشری و صحنه فعالیت‌های اجتماعی انسان‌ها از خدا آغاز می‌کند و خدا را برای ظلم می‌داند و در نظام آفرینش برای ظلم هیچ‌گونه جایی قائل نمی‌شود (مبنای امت واحده) و ظلم زدایی را از جامعه بشری را مسئولیت اجتناب‌ناپذیر انسان می‌داند و نه تنها ظلم کردن را منع می‌کند؛ بلکه پذیرش ظلم را و تن دادن به ظلم را نیز محکوم می‌کند و ظلم زدایی را شامل همه امور زندگی انسان از جمله قلمرو رابطه انسان با خدا و خویش‌تن و دیگران می‌داند. رعایت اصل برابری انسان در عمل به این معنا است که انسان‌ها تساوی را بپذیرند (در همه شئون) و این امر نیز علاوه بر برقراری عدالت نیازمند ظلم ستیزی و و ظلم نکردن است و به درستی که عدالت و برابری در ظلم نکردن و نپذیرفتن ظلم است. و این روش می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مشکلات موجود در جوامع بشری و حتی در سطح جهانی نیز باشد. امروز قدرتمندان جهان با استفاده از قدرت خود کرامت انسانی در برابری را نادیده گرفته و شرافت بشری را زیر پا می‌گذارند و نشان دهنده غفلت انسان از برابری در خلقت است. برای پایان بخشیدن به این ظلم‌ها می‌توان با تکیه بر تربیت و استفاده از روش ظلم زدایی در آن ابتدا انسانی تربیت کرد که ظلم نکند و در مرحله بعدی ظلم را نپذیرد و پیروی از قرآن در این باره رهگشاست؛ آنجا که می‌فرماید: «به آنها که ظلم پیشه‌اند، تکیه نکنید که آتش آن شما را نیز فرا می‌گیرد».

نتیجه‌گیری

زندگی مدنی بستر شکوفایی استعدادهای انسانی و فراهم‌کننده زمینه‌های دستیابی انسان به کمال است. این مهم زمانی حاصل می‌شود که سیاست و جامعه، شهروندان خود را در نظمی مطلوب و مبتنی بر حقیقت تربیت کند. حقیقت را باید در منابع و متون دینی جست و جو کرد که هدف از القای آن به انسان نیز هدایت و تأمین سعادت اوست. نظام سیاسی برای رسیدن به چنین مطلوبیتی، اهدافی را در حوزه سیاست و با استفاده از منابع دینی تعریف می‌کند. اهداف تربیت سیاسی از همان آغاز زندگی انسان آغاز می‌شوند. هرچند در ابتدا تربیت سیاسی از حوزه سیاست آغاز نمی‌کند، اما به گونه‌ای غیر مستقیم در

ارزش ها و هنجارهای بسیطی که کودکان با آن روبه رو می شوند، حضور دارد. در اواخر دوره کودکی و آغاز دوره نوجوانی فعالیت های بسیط سیاسی به طور مستقیم در اهداف تربیت سیاسی وارد می شوند و به مثابه تحول و تثبیت شخصیت فرد، این ارزش ها و هنجارها نیز در او تثبیت می گردند. دوره جوانی دوره فعالیت های آرمان گرایانه سیاسی است که جوان با شور و شوق جوانی با حوزه سیاست درگیر می شود و تربیت سیاسی در این برهه بیش از پیش نمود می یابد. در واپسین مرحله که دوره بزرگسالی است، نظام تربیت سیاسی می کوشد فرد را آماده مسئولیت های سیاسی گرداند و همچنان مراقب اوست که بتواند مسئولیت خود را به بهترین وجه انجام دهد. در این زمان سیاست بخش از زندگی اجتماعی اوست و تبادل نظر و افکارش در بهتر شدن حوزه سیاست اثر تعیین کننده دارد. تربیت سیاسی می کوشد از تجربه ها و اندوخته های شهروندان خود به عنوان منبعی در سیاست عملی استفاده کند و چنین است که این تجارب با ارزش به دیگر شهروندان و فعالان سیاسی انتقال می یابد.



منابع

امینی، محمد صدیق ارفعی، فریزر و قدمی، ملوک، (۱۳۸۸). «بررسی اثربخشی برنامه درسی توپیت سیاسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان: مطالعه موردی شهر کاشان در ماهنامه علمی پژوهشی دانشور رفتار، دانشگاه شاهد، سال شانزدهم - شماره ۳۶، صص بختیاری، ابولفضل، (۱۳۸۶)، «ویژگی‌های مدیر و مدرسه کارا و اثربخش، پر دره‌شی آموزش و اطلاع‌رسانی مدرسه شماره ۲

بهروش، علی، (۱۳۹۱)، آموزش و پرورش و شهروندی، مرکز یادگیری سایت نیان، قابل دسترسی از سایت: =۲۳۱۳۷۴

<http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid>

بهشتی، سعید و محمد علی افخمی اردکانی، (۱۳۸۶)، تبیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی در نهج البلاغه، تربیت اسلامی، سال دوم

حیدری، محمد شریف و ابوالفضل ساجدی، (۱۳۹۲)، «موانع تربیت اجتماعی کودکان در خانواده امروزی، معرفت، سال بیست و دوم، شماره ۱۹۴

رجیان، منصور، (۱۳۸۹)، تربیت اجتماعی سیاسی اثر منظر قرآن و نهج‌بلاغه، قم، دفتر برنامه ریزی تربیتی

زنگنه، محمد، (۱۳۸۲)، «بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر جامعه‌پذیری نوجوانان و جوانان، کتابداری، آرشیر و نسخه پژوهی نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۷، صص ۲۹-۵۸

سبزی پور، حامد (۱۳۹۱)، «نقش معلم در فرایند جامعه‌پذیری، فصلنامه رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۵۵

قلناش، عباس (۱۳۹۱)، «مبانی اجتماعی و سیاسی تعلیم و تربیت: بررسی تطبیقی رویکردها و دیدگاه‌های تربیت شهروندی»، پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، (۱)۲، صص ۴۷-۶۴

مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰

محمودی، امیر حسین (۱۳۸۶)، «شایستگی حرفه‌ای معلم اثربخش، پژوهشی آموزش و اطلاع‌رسانی مدرس، شماره ۱

هزار جریبی، جعفر، غلامرضا کریمی و عباس فرهادی، (۱۳۹۳)، «بررسی عوامل مؤثر در روند جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان در ج ل امه علوم سیاسی پژوهش‌های راهبردی سیاست شماره ۳۹ (علمی و پژوهشی)، صص ۹۵ - ۱۲۰

Bullis, C and B. Bach, (2003) , Socialization Turning Points: An Examination of Change in Organizational Identification, Paper Peresented at the Annual

Meeting of the Western Speech Communication Association Spokane, W A.
ERIC Document Number ED.

Langton, Keneth r (1969). Political socialization. New York: oxford University
press, Inc.

Soule, Suzanne Ruby (2003). The crucible of democracy: civic education in
Bosnia and Herzegovina (dissertation). University of California, Santa
Barbara. Available in. www.proquest.com.

